



درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۷ بهمن ۱۳۹۷

مصادف با: ۳۰ جمادی الاول ۱۴۴۰

موضوع جزئی: مسأله ۱۳-جهت شش گانه - جهت دوم: ادله اختصاص حکم به دائمه و بررسی آن

جلسه: ۷۲

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در مسأله سیزدهم عرض شد جهت دوم بحث این است که آیا حکم عدم جواز ترک وطی بیش از چهار ماه، شامل زوجه منقطعه هم می‌شود یا نه. دو قول در مسأله بیان کردیم؛ قول اول که امام(ره) به آن فتوا داده‌اند این است که این حکم شامل زوجه موقت نیز می‌شود و از این جهت فرقی بین دائم و موقت نیست.

ادله اختصاص حکم به دائمه

از آنچه درباره بیان ادله و مؤیدات این قول گفتیم و نیز پاسخ به اشکالاتی که بعضاً به این ادله شده بود، ادله و مؤیدات قول دوم یعنی اختصاص حکم به زوجه دائمه نیز استفاده می‌شود. همچنین اشکالاتی که به این ادله وارد است، اینها هم از بیانات گذشته ما معلوم می‌شود. اما اجمالاً برای اینکه بحث تکمیل شود، ادله‌ای که این گروه به آن استناد کرده‌اند را مرور می‌کنیم و این‌شاء الله وارد بحث از جهت سوم می‌شویم.

از لابه‌لای مطالب گذشته معلوم می‌شود که برای قول کسانی مثل صاحب جواهر و نیز مرحوم شیخ می‌توانیم سه دلیل ذکر کنیم.

دلیل اول

دلیل اول آن است که صحیحه صفوان بن یحیی که مهم‌ترین دلیل لزوم وقوعه در چهار ماه است، منصرف به خصوص زوجه دائمه است. در روایت درباره زن جوانی سؤال شده بود که شوهرش وطی با او را ترک کرده و این کار او به قصد اضرار نیست بلکه به خاطر مصیبت و مشکلی است که برای آنها پیش آمده است. امام(ع) فرمود اگر بیش از چهار ماه ترک کند، گناهکار و آثم است. این عمده دلیلی بود که در این بحث به آن استناد شد.

مستدل در اینجا می‌گوید این کلام امام(ع) اطلاق ندارد و به زوجه دائم منصرف است و شامل زوجه موقت نمی‌شود؛ چون متعه در آن ایام نادره الوجود بود؛ به خاطر شرایطی که در آن زمان بود، شاید خیلی کم و آن هم مخفیانه این کار صورت می‌گرفت. به علاوه، به طور کلی در روایات در جایی که از یک موضوع سؤال می‌شود، این سؤال و جواب را حمل بر متعارف می‌کنیم؛ این مطلبی است که در عرف نیز این چنین است. از مرأه شابه سؤال شده (تکون شابه عنده)، این ظهور در آن دارد که مورد متعارف را می‌گوید که زوجه دائمه است. بدین جهت ادعای انصراف کرده‌اند و گفته‌اند این روایت اطلاق ندارد و شامل مانحن فیه - یعنی زوجه موقته - نمی‌شود.

بررسی دلیل اول

پاسخ به این دلیل از مطالب گذشته معلوم است.

اولاً: انصراف حتماً محتاج منشأ و سبب است. ندرت در وجود منشأ انصراف نیست؛ آنچه منشأ انصراف است، مسأله استعمال است. اینکه در این مورد وجود خارجی نادر است، سبب انصراف به زوجه دائم نمی‌شود. تحقق خارجی غیر از استعمال لفظ در معناست.

ثانیاً: بر فرض که این ندرت در وجود منشأ انصراف شود، اصل اینکه این نادر الوجود بوده معلوم نیست. در اینجا از امام رضا(ع) سؤال شده و شرایط در زمان حضرت مثل دوران خلافت بنی امیه یا اوایل خلافت بنی عباس نبود؛ به هر حال مقداری شرایط متفاوت تر بود. لذا اصل ندرت متعه در آن زمان معلوم نیست. لذا به نظر می‌رسد که مجموعاً مانعی از اخذ به اطلاق این روایت نیست.

دلیل دوم

دلیل دوم همان مطلبی است که صاحب جواهر فرموده‌اند؛ ایشان فرمودند قدر متیقن از روایات به خصوص روایت صفوان بن یحیی، زوجه دائمه است. البته این غیر از مسأله انصراف است؛ انصراف ناشی از یک عامل است و اخذ به قدر متیقن ناشی از یک عامل دیگری است. استدلال صاحب جواهر بر عدم شمول این حکم نسبت به زوجه موقت آن است که به هر حال به واسطه اجمالی که در این کلام هست و قرائنی که وجود دارد، ما نمی‌توانیم به اطلاق آن اخذ کنیم. در این روایت و همچنین در دلیلی که برای ایلاء ذکر شد، گفته شده که یک سری احکام درباره زوجه موقت ثابت نیست؛ از جمله احکامی که در زوجه موقت نفی شده، نفقه، ارث و کسوت است. با توجه به اینکه این امور در زوجه موقت جاری نیست چون به تعبیر صاحب جواهر: «لأنهن مستأجرات». ما در مورد صحیحه صفوان نمی‌توانیم بگوییم که اطلاق دارد؛ چون در شمول بسیاری از احکام زوجیت نسبت به زوجه موقت تردید داریم. لذا ایشان گفته در اینجا باید به قدر متیقن اخذ کرد و قدر متیقن، زوجه دائم است.

بررسی دلیل دوم

پاسخ این دلیل در گذشته بیان شد؛ در جلسه قبل عرض کردیم که درست است بین زوجه موقت و زوجه دائم فرق است - مثلاً ایلاء در زوجه دائم ثابت است اما در زوجه موقت ثابت نیست؛ همچنین نفقه و ارث نیز از احکامی هستند که در مورد زوجه موقت ثابت نیست اما در زوجه دائم ثابت است - ولی مسأله این است که با اینکه این احکام در متعه ساقط می‌شود، اما غرض اصلی از متعه، استمتاع است. این حق برای زوجه به عنوان ارضاء غرایز جنسی و التذاذ قرار شده است؛ این یک نیاز طبیعی است که برای زن به این عنوان قرار داده شده است. اگر این حق نادیده گرفته شود و تفویض شود، با توجه به ادله، در زوجه دائم مستلزم اثم و گناه بر زوج است. این حق و این نیاز در زوجه منقطعه نیز وجود دارد؛ مخصوصاً اینکه غرض اصلی در متعه، استمتاع است. لذا اینکه احکام ایلاء، زوجیت و امثال آن در زوجه موقت ساقط است، این موجب اختصاص این حکم به زوجه دائمه نمی‌شود؛ مخصوصاً با ملاحظه نکته‌ای که عرض شد. لذا به نظر می‌رسد که اینجا مانعی از اخذ به اطلاق صحیحه صفوان نیست و دلیلی ندارد که ما اینجا بخواهیم به قدر متیقن اخذ کنیم.

سؤال:

استاد: من این را به عنوان مؤید می‌آورم نه اینکه دلیل باشد. می‌گوییم مخصوصاً با ملاحظه این نکته، ما نمی‌توانیم نسبت به این موضوع در مورد زوجه موقت بی‌تفاوت باشیم.

سؤال:

استاد: اتفاقاً همین را دلیل بر این قرار می‌دهند که در مورد زوجه موقت، مثل آن مواردی که ثابت نیست، این هم ثابت نیست.

سؤال:

استاد: می‌گویید صحیحه صفوان اطلاق ندارد و ما باید به قدر متیقن اخذ کنیم. سؤال ما این است که چرا باید به قدر متیقن اخذ کنیم؟ رجوع و اخذ به قدر متیقن در جایی است که در کلام مجمل باشد یا قرینه‌ای وجود داشته باشد که موجب اجمال کلام شود؛ به صرف اینکه این احکام در باب موقت ساقط شده، دلیل نمی‌شود که ما بگوییم این حکم هم ساقط می‌شود.

سؤال:

استاد: اگر چنین شرطی کند، این داخل در محدوده اذن و رضایت زن می‌شود و این استثنا شده است.

سؤال:

استاد: محور اصلی در این مسأله استمتاع است. آن مسائل جانبی و حاشیه‌ای را کنار بگذارید؛ بالاخره ما هستیم و روایت صفوان و این روایت اطلاق دارد و ما این اطلاق را پذیرفتیم. یک وقت است که شما می‌گویید که این روایت در مورد دائم نیز ثابت نمی‌کند - کما اینکه برخی این را می‌گویند - این جا تکلیف روشن است. ولی به چه دلیل به قدر متیقن از این روایت اخذ کنیم؟ عبارت صاحب جواهر را برای شما خواندم: «ان المتیقن منهما النکاح الدائم فلا يجب ذلک فی المنقطع الساقط فیہ الایلاء و احکام الزوجیة من النفقة و غیرها کأنهن مستأجرات». این تشبیه کار را خراب کرده است؛ مثل اینکه کسی اجیر شده خیاطی کند یا دیوار بچیند. بالاخره این یک نکاح است؛ خود اینکه بگوییم لانهن مستأجرات، این جای بحث دارد.

دلیل سوم

اما دلیل سوم این گروه، آن است که حکم ایلاء اجماعاً مختص به دائم است و اساساً ایلاء در متعه جریان پیدا نمی‌کند. در جلسه قبل هم اشاره شد که اینجا نه تنها ادعای شهرت شده، یعنی گفته‌اند مشهور در ایلاء، بین زوجه موقت و زوجه دائم تفصیل داده‌اند و گفته‌اند ایلاء در نکاح دائم واقع می‌شود، بدین معنا که اگر کسی بر ترک وطی زوجه قسم خورد، چهار ماه به او مهلت داده می‌شود که یا به زن رجوع کند و قسم خود را کنار بگذارد یا او را طلاق دهد. اما در مورد زوجه موقت این چنین نیست و اینجا ایلاء واقع نمی‌شود. ما حتی گفتیم بعید نیست که بتوانیم بگوییم مسأله محل وفاق است، یعنی بالاتر از شهرت؛ ولو اجماعی هم نباشد ولی ظاهراً محل وفاق است؛ حتی برخی گفته‌اند که اجماعی است. خلاصه در مورد ایلاء بین زوجه دائمه و زوجه موقت فرق گذاشته شده است.

اینها می‌خواهند از این تفصیلی که در باب ایلاء بین زوجه دائم و موقت داده شده، در مانحن فیه استفاده کنند و بگویند آن مهلتی که در ایلاء برای نکاح دائم مطرح شده، آن مدت در مانحن فیه - که ربطی به ایلاء ندارد - مورد قبول است. ولی در مورد زوجه موقت نمی‌توانیم از آن حکم استفاده کنیم؛ چون اساساً ایلاء در نکاح موقت جریان ندارد. به عبارت دیگر وقتی در خود ایلاء که مدت آن می‌خواهد به عنوان مستند قرار گیرد نکاح منقطع خارج است، اینجا هم قهراً نکاح منقطع خارج می‌شود.

بررسی دلیل سوم

اشکال این دلیل از بیانات گذشته معلوم می‌شود. در جلسه گذشته گفتیم ممکن است ما به این نتیجه برسیم ایلاء در متعه نیز جریان دارد، ولی فرض می‌گیریم که ایلاء در نکاح دائم جاری است ولی در متعه جاری نیست اما عرض کردیم اصل اشکال به این دلیل آن است که این مدت چهار ماه که به عنوان مهلت در باب ایلاء مطرح شده، ولو اختصاص به زوجه دائم داشته باشد، این از باب رعایت حق زوجة است. لذا تجاوز از این مدت، تفویت حق زوجه است. یعنی اگر ما این را در زوجه دائمه به عنوان حق مسلم زن بدانیم و این حق مسلم را برای این جهت بدانیم که خداوند متعال و شارع خواسته توجهی به نیازهای طبیعی زن داشته باشد، آن وقت چه فرقی بین دائم و منقطع وجود دارد؟ همین نیاز طبیعی در مورد موقت نیز وجود دارد؛ مخصوصاً در جایی که مدت ازدواج موقت طولانی باشد، مثلاً چند سال. لذا همانگونه که در زوجه دائمه ترک وطی بیش از چهار ماه تفویت حق زوجه است، در زوجه موقت نیز این چنین است و بلکه در اینجا اشد است؛ چون اینجا از همه چیز محروم است و هیچ دلخوشی ندارد؛ حق لباس، نفقه، ارث و... هیچ کدام نیست، اگر این هم نباشد که دیگری چیزی نیست.

لذا با توجه به اینکه غرض اصلی در نکاح موقت استمتاع و التذاذ است، چه بسا اگر بیش از چهار ماه ترک وطی شود، این اشد است نسبت به زوجه دائمه. بالاخره این مسأله را نباید نادیده گرفت؛ از آن طرف این همه احکام داریم که زن باید تمکین کند و هر وقت زوج مطالبه کند، زوجه باید تمکین کند. این همه احکام بر اساس رفع نیازهای زوج وجود دارد اما از این طرف بگوئیم هیچ حکمی نسبت به این جهت نیست. به نظر می‌رسد که این مقداری مغفول واقع شده و بیشتر باید به آن توجه شود. نه خصوص این موضوع، بلکه کلاً باید مورد توجه قرار گیرد.

لذا مجموعاً هیچ یک از این سه دلیل نمی‌توانند اختصاص این حکم را به نکاح دائم اثبات کند.

نتیجه کلی بحث در جهت دوم

نتیجه بحث ما در جهت ثانیه این است که همان طور که امام(ره) در تحریر فتوا داده‌اند، خلافاً لصاحب الجواهر و للشیخ الانصاری و چه بسا خلافاً للمشهور علی ما نسب الیهم - البته مشهور متأخرین - عدم جواز ترک وطی اکثر من أربعماء، شامل نکاح موقت نیز می‌شود.

هذا تمام الکلام فی الجهة الثانية. هنوز چهار یا پنج جهت دیگر در این مسأله باقی مانده که إن شاء الله عرض خواهیم کرد.

چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

به مناسبت چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی نکاتی را عرض میکنم البته در این فرصت کوتاه نمی‌شود خیلی صحبت کرد.

آن چه که در این مجال اندک می‌خواهم عرض کنم این است که واقعا با همه مشکلات نابسامانی‌ها و سختی‌ها و کاستی‌ها ما نمی‌توانیم عظمت انقلاب را نادیده بگیریم واقعا من به دور از هر گونه تعصب چه تعصب صنفی و چه تعصب دینی عرض می‌کنم که انقلاب اسلامی ایران یک کار بسیار بزرگ بود و دست آوردهای بسیار بزرگ داشته است البته این احتیاج به یک بحث مبسوط دارد که ما یکایک امور را بررسی کنیم که کجا موفقیت و پیشرفت داشتیم و کجا ناکامی.

شاید خیلی از شما شرایط پیش از انقلاب را درک نکردید برای شما ملموس نبوده، شاید بسیاری از شما مواجه با برخی از تحلیل‌های سطحی از انقلاب می‌شوید. متاسفانه برخی وقتی می‌خواهند انقلاب را تحلیل کنند ارزش‌ها و شاخص‌های انقلاب را تنزل می‌دهند در یک حد معمولی، مفسد و غده‌های سرطانی که در رژیم گذشته بود الان نیست. نمی‌گویم الان مشکل نیست الان مشکل خیلی هم زیاد است ولی واقعا خودباوری در گذشته اساسا در ذهنیت و فرهنگ جامعه ایرانی جایی نداشت این خودباوری مسئله مهمی است این که ملتی اعتقاد داشته باشند که می‌توانند به قله‌های رفیع و بلند پیشرفت و تمدن برسند یا یک ملتی که گمان کنند که امکان ندارد که ما بتوانیم به جایی برسیم، خیلی در آینده آن ملت مؤثر است. گزارش‌های تاریخی و خاطراتی که از آن ایام منتشر شده است شخص اول این مملکت، از کوچکترین امور تا بحران‌هایی که در این کشور پیش می‌آمد، هر چه می‌شد می‌گفت با آمریکایی‌ها مشورت کنید و نظر آن‌ها را بی‌رسید. رابطه ما و آمریکا رابطه دو کشور هم‌عرض و هم‌طراز نبود آن‌ها به هر حال استیلاء داشتند بر عالم و بر منطقه و بر ما، این کار شاه در حقیقت یک استیذان و استجازه و نظر خواهی برای این که نظر آن‌ها اعمال شود بود. اما ما بعد از انقلاب واقعا امام خمینی و بعد ایشان رهبر معظم انقلاب به اتکاء خداوند و پشتیبانی ملت تصمیم‌گیری می‌کردند و می‌کنند. همه آن‌ها که اشکال هم می‌کنند بالاخره نمی‌توانند این را انکار کنند که شخص اول این مملکت زیر بلیط هیچ کس در این دنیا نیست این که مثلا از فلان کشور آمریکا یا فلان ابر قدرت بخواهد دستور بگیرد این اصلا در قاموس انقلاب نیست. مقامات اصلی این کشور با همه ضعف‌ها و فراز‌ها و فرودهایی که داشتند بالاخره این مسئله که خودشان تصمیم بگیرند و اعتقاد و اعتماد داشته باشند به خداوند و مردم در مورد آن‌ها وجود داشته و دارد. این یک مسئله کوچکی نیست. ریشه‌های مفسد این‌ها است. این که شاه بگوید ببینیم آن‌ها چه می‌گویند ما هم این کار را بکنیم این اوج بدبختی یک ملت است چهل سال هم که از انقلاب گذشته با همه این گرفتاری‌ها که امروز به اوج هم رسیده و همه جا مشاهده می‌کنید اعتراضات و مشکلات است، اما این آسیب‌نندیده این‌ها سرمایه‌هایی است که باید حفظ شود این‌ها ارزش‌هایی است که نمی‌شود آن‌را نادیده گرفت.

استقلال این کشور بسیار مهم است. این کشور مستقل است این‌ها چیزهای مهمی است تاریخ کشورها و ملت‌ها را ببینید که بخاطر فقدان خودباوری و به خاطر وابستگی به چه سرنوشتی گرفتار شدند.

عزت طلبی مسئله بسیار مهمی است. این ملت دلش می‌خواهد عزیز باشد و دنبال عزت این مملکت و این وطن است در حالی که در گذشته این‌طور نبود.

مسئله دیگر حاکمیت دینی است حاکمیت دینی در سطح کلانش را عرض می‌کنم نه این که بگویم الان حاکمیت دینی است قطعا ما با حکومت دینی ایده آل خیلی فاصله داریم حتی در خیلی از جاها عقب‌گرد هم داشتیم شکی در این نیست ولی

حاکمیت دینی از آرزوهای دیرین روحانیت و متدینین و مومنان در طول تاریخ بوده است این ها کارهای مهمی است که در انقلاب اتفاق افتاد تحول عظیمی که در فکر و فرهنگ مردم ایجاد شد نگاهی که به دین داری و دیانت ایجاد شد. همه این ها مهم است. در این سال ها کارهای زیادی شده، این استقلال طلبی و خود باوری مظاهر و جلوه های بسیار زیادی هم داشته است الان توان مندی های ایران و دانشمندان ایرانی در حوزه های مختلف قابل ستایش است در همین حوزه علمیه کارهای بسیار بزرگی انجام شده این که بعضا حوزه و روحانیت و طلاب را رمی به بیکاری و تنبلی می کنند این بی انصافی است به اذعان کسانی که در حوزه ها در گذشته بودند و الان هم هستند کارهای مهمی صورت گرفته است. شما ببینید تولید فکر و علم و اندیشه در این حوزه چقدر است کتاب هایی که منتشر می شود بله ما همگام با تحولات دنیا پیش نرفتیم حرکت کند است ولی این به معنا نیست که کار نشده باشد.

در همه حوزه ها واقعا عظمت انقلاب و عظمت کاری که مردم کردند قابل مشاهده است. تاثیراتی که انقلاب در این کشور داشت تاثیراتی که در منطقه داشت تاثیراتی که در کل دنیا داشت تاثیراتی که برای مذهب اهل بیت داشت شما ببینید الان در گوشه و کنار این عالم کسانی و جمعیت هایی به عنوان تشیع و پیروان اهل بیت هستند از آفریقای جنوبی گرفته تا اندونزی و چین و مالزی که این ها همه افراد انگشت شماری بودند که مقارن با پیروزی انقلاب و تحت تاثیر شخصیت امام خمینی شیعه شدند و الان خودشان تبدیل شدند به یک جمعیت های قابل توجه، این ها آثار مهمی است لذا واقعا اگر کسی گمان کند که این مشکلات باعث کاسته شدن از آن عظمت است اشتباه است هیچ کس نباید به ذهنش خطور کند که مثلا چون این مشکلات است پس آن کار اشتباه بوده است.

اگر اظهار پشیمانی شود یعنی این که حقیقت این موضوع اصلا درک نشده است.

اما در کنار این ها حفظ این سرمایه ها هم خیلی مهم است گمان نکنیم با این سرمایه ها تا ابد می توانیم ادامه دهیم اگر ما بتوانیم این سرمایه ها را حفظ کنیم روز به روز پیشرفت ها بیشتر می شود اگر این سرمایه ها را نتوانیم حفظ کنیم طبیعتا روز به روز ضعیف تر می شویم.

قدرت های بزرگ در گذشته تاریخ بخاطر بی توجهی به همین مشکلاتی که با آن دست و پنجه نرم می کردند گرفتار زوال شدند الان به هر حال شرایط بسیار حساسی است و باید به دور از حب و بغض با دلسوزی تمام به سمت این برویم که ضعف ها و نابسامانی ها را برطرف کنیم آن چیزهایی که مردم را رنج می دهد را ریشه هایش را از بین ببریم مردم ما ثابت کردند که اهل تحمل مشکلات و سختی ها هستند ولی به شرط این که تبعیض و فساد و دزدی و اختلاس نباشد راه مسئله این است که ما تا می توانیم واقعا به این که قانون حاکم شود کمک کنیم شفافیت در امور بالاترین مسئله است این دولت الکترونیکی که گفته می شود مسئله کمی نیست دخالت ها و زمینه های دخالت عوامل انسانی با انگیزه های مختلف را باید به حداقل برسانیم یعنی همه چیز شفاف باشد باید قانون و خرد جمعی و سیستم حاکم شود. منتهی با نگرش درست، الان مثلا برای اشتغال و کار شما حساب کنید واقعا اگر کسی میخواهد سر کار برود بیایند و شایستگی افراد را نگاه کنند هر کسی شایسته تر و توانمند تر و متعهد تر برود سر کار نه این که با توصیه افرادی شایستگان جا بمانند و آدم هایی که شایستگی ندارند سر کار بروند این پارتی بازی ها مردم را واقعا رنج می دهد من معتقدم اگر این امور اصلاح شود تبعیض

و پارتی بازی و دزدی و اختلاس و این فساد ها کم شود و مردم همه را به قول اهل مطبوعات در اتاق شیشه ای و تحت نظر ببینند حاضرند تحمل کنند مردم درک می کنند مردم واقعا مردم نجیبی هستند ولی اگر در کنار این مشکلات آن زمینه های فساد از بین نرود معلوم نیست همراهی ها ادامه پیدا کند.

من در عین حال امید دارم که این دوران به عنوان دوران گذار باید طی شود الان حساسیتی که مجموعا مقابل فساد و مقابل اشرافی گری و مقابل این ها پیش آمده امیدوار کننده است ولی این حساسیت ها باید همه جانبه باشد نه گزینشی مقابل انحراف مقابل فریب دادن و مقابل دور زدن مردم همه باید حساس باشند. این ها باعث شده مجموعا مقداری یک عده دست و پایشان را جمع کنند در گذشته شاید این ها اصلا خیلی بیان نمی شد ولی الان به مدد این شبکه های مجازی و فضای مجازی با همه مخاطراتی که دارد اما بالاخره تا حدودی تاثیر خودش را می گذارد.

معتقدم به مرور این تاثیر گذاری خواهد داشت و از این مرحله عبور خواهیم کرد الان کشورهای پیشرفته دنیا را که نگاه می کنید الان می گویند در فلان کشور مسئولی برای کار شخصی تلفن از اموال عمومی زده است و مورد بازخواست قرار گرفته است.

آن جا نیز مفاسد بسیار است و خیلی هایش برملا نمی شود به علاوه آن ها این شرایطی که الان ما در آن هستیم را گذراندند آن ها هم سال های سال این گرفتاری ها را داشتند هر چه این نظارت عمومی یا همان امر به معروف و نهی از منکر یا مطبوعات و رسانه ها تقویت شود منتهی در چارچوب اخلاق و شرع کمک می کند که این مفاسد ریشه کن شود. آخرین جمله این است که امروز روحانیت وظیفه بسیار سنگینی دارد مسئولین وظیفه بسیار سنگینی دارند راه چاره این است همه مردم دلسوزانه و برادرانه دست محبت و آشتی به هم بدهیم کینه ها را دور کنیم اینقدر به دنبال حذف یکدیگر نباشم این قدر به دنبال تخریب و از میدان به در کردن هم نباشیم اگر همه با هم دست به دست هم دهیم باز هم زمان برای حل مشکلات کم داریم همه با یک پارچگی و وحدت و دلسوزی حول محور رهبری حرکت کنیم که بدون این محور ما نمی توانیم از این گردنه ها عبور کنیم همه با هم حول این محور برای حل مشکلات قدم برداریم و هر کسی نیز به سهم خودش این مسئولیت را دارد که برای حل مشکلات تلاش کند.

«والحمد لله رب العالمین»